

بسم الله الرحمن الرحيم

چه کسی صلاحیت جدایی دین از دولت را دارد!

(ترجمه)

خبر:

در روزنامه‌ی "الجریده" به تاریخ 15 جولای 2019م ذکر گردیده است: "پروفسور فدوی عبدالرحمن کاندید هیأت حاکمیت - در سودان - نظام انقاز (حکومت نجات) را به مزج نمودن دین با سیاست و به بازی گرفتن شریعت متهم نمود و در حکومت بعدی خواستار جدایی دین از دولت گردید". فدوی در صفحه‌ی فیسبوک/رخنامه خود گفته بود: "حکومت نجات، شریعت را به بازی گرفت و دست‌آورد ما چه بود؟"

عکس‌العمل‌ها در قبال گفته‌های وی متفاوت بود: طرفداران فدوی گفته بودند دولت دارای قوانین، نظام‌ها و لوایح است و برای اثبات این ادعای خود نیازمندی دولت به داکتر/پزشک را مثال داده بودند که عبادات داکتر برای دولت اصلاً مهم نبوده و برای دولت معالجه‌ی مرض و تقدیم نسخه‌ای درست درمانی، مهم است. این موضوع را سیکولاریستی (بی دینی) نشمرده بودند و استدلال آن‌ها این بود که هیچ یکی از آنان منکر فطرت اسلام نیستند. نظریه سائر مردم این بود که دین و دولت اجزای غیرقابل تجزیه هستند و باید تمامی قوانین، لایحه‌ها و نظام‌ها بر اساس کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم مرتب گردد.

تبصره:

برای بحث و گفت‌وگو پیرامون این موضوع باید روی بعضی نکات مکث نموده و به گفت‌وگوی واقعی بپردازیم. فدوی گفته است که «حکومت نجات» شریعت را به بازی گرفته است و پرسیده است که ما چه چیزی به دست آورده‌ایم؟ من با او در این که «نجات» شریعت را به بازی گرفته است، کاملاً موافقم؛ چون شعار اسلامی را در حالی سر داده که تمام امور دولت را به غیر از اسلام تنظیم می‌نماید؛ اما این که ما چه به دست آورده‌ایم؟ باید گفت که دست‌آورده‌های ما تحت حاکمیت هر سرپرست، تخریب، ویرانی و بلکه تقسیم سودان به دو دولت ضعیف‌البنیاد است. اما پرسشی ایجاد می‌گردد؛ هرگاه یک جریان و طرف، یک حکم شرعی را به بازی گرفت؛ آیا بر ما لازم می‌گردد که به سبب آن شریعت را ترک گوئیم؛ چنان‌چه فدوی به جدایی دین از زندگی فراخوانده است. او این نظریه خود را بر این مقدمه که «حکومت نجات» شریعت را به بازی گرفته، بنا نهاده است. ما مردمانی را مشاهده می‌نماییم که نماز را به بازی می‌گیرند و می‌بینیم که یک مرد همراه یک زن یک‌جا پیش نماز گردیده است؛ آیا این کار دلیلی بر ترک نماز است؟! به بازی گرفته شدن شریعت توسط «نجات» باید موجب مراجعه نمودن ما به واقعیت شریعت گردد؛ نه موجب ترک شریعت!

اما در مورد موضوع مفکوره‌ی جدایی دین از زندگی، باید بدانیم که چه کسی احکام دولت را با دین مزج نموده و آن را از اجزای دین معرفی نموده است. در غرب کشیش‌ها و پاپ‌ها احکام دولت را وارد دین نمودند و این موضوع معروف است که در تمامی انجیل‌ها احکامی وجود ندارد که تمام بخش‌های زندگی را تنظیم نماید و کشیش‌ها خود آن احکام را اختراع نمودند، و به آن احکام قداست بخشیده و آن را جزء از دین معرفی نمودند که در واقع تحریف شده از جانب خودشان بود. بنابراین، بدیهی بود که دانشمندان و مفکرین بر این مزج نمودن دین با دولت دست به اعتراض بزنند، و خواستار جدایی میان این دو گردند، که این اندیشه بعداً اساس عقیده‌ی سرمایه‌داری - دموکراسی گردید.

در مقابل در می‌یابیم که اسلام بیعت را طریقه‌ی شرعی برای تعیین نمودن حاکم مقرر نموده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَتَكُونُ خُلَفَاءُ تَكْتَرُ قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: فُوا بِبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَأَلَّوْا وَأَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرْعَاهُمْ»

ترجمه: امور - دینی و معاشرتی، داخلی و خارجی - بنی اسرائیل را پیامبران اداره می‌کردند؛ هرگاه پیامبری در می‌گذشت، پیامبر دیگری به جای آن می‌آمد، و هیچ پیامبری بعد از من نخواهد آمد؛ ولی در اسلام زمام‌داران سیاسی و خلیفه‌های فراوانی خواهند آمد. صحابه پرسیدند: ما را در قبال آن‌ها چه دستور می‌دهید؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «به بیعت نخستین خلیفه که بیعت شده وفادار بوده باشید، و حق آن‌ها را ادا کنید، آن‌ها نیز نزد الله در قبال رعیت خود مسؤولیت دارند.»

و نیز ربا/سود را حرام گردانیده و معامله ربوی/سودی را از سطح فرد تا سطح دولت کاملاً برخلاف نظام اقتصادی سرمایه‌داری ممنوع قرار داده است. آیات ربا، قطعی‌الثبوت و قطعی‌الدلالة است و از بالای هفت آسمان از جانب ذات حکیم و خبیر نازل گردیده است، و او ذاتی است که به قطع دست دزد و دره زدن زانی فرمان داده و این چنین در می‌یابیم که الله سبحانه و تعالی برای تنظیم سائر امور زندگی، احکامی را نازل کرده است.

دانشمندان و مفکرین احساس نمودند که آن‌ها به طور ویژه در امور مرتبط به احکام عمومی نسبت به کشیش‌ها خوب بوده و حتی برتری نیز دارند؛ لهذا به جدایی دین از دولت مطالبه نمودند. آیا مسلمان جرأت می‌نماید که ادعای مقابله با الله سبحانه و تعالی را نماید؟! الله سبحانه و تعالی به مراتب عالی و منزّه است.

اما از مثال‌های فوق طوری معلوم می‌گردد که مدافعین این مفکوره، میان چیزهایی که عمل به آن جواز دارد و میان چیزهایی که عمل به آن جواز ندارد، خلط نموده‌اند. اسلام علوم و معرفت‌ها را حرام قرار نداده است؛ زیرا این علوم و معرفت‌ها با دیدگاه پیرامون زندگی دخالت ندارد. اسلام عمل به آن را حرام قرار نداده است؛ بناء کسب طب، انجینیری، علوم زراعت و صناعت با تمام انواع آن جواز داشته است؛ چنان‌چه که اجیر گرفتن مسلمان و غیرمسلمان در انجام اعمال مباح جواز دارد. در این امور حرمتی وجود ندارد؛

بلکه در اسلام واجب است که تمام زندگی طبق کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم تنظیم گردد. تمام نظام‌های سیاسی، اقتصادی، آموزشی، سیاست داخلی و خارجی دولت خلافت بر منهج نبوت از اسلام اخذ گردد.

نویسنده: انجنیر حسب الله النور-خرطوم

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحرير

18 ذی القعدة 1440هـ.ق

21 جولای 2019م